

فراخوان حزب حکمتیست

به پیشواز سالروز برآمد انقلابی شهریور برویم!  
علیه زن کشی و حجاب اسلامی، علیه فقر و فلاکت اقتصادی!

صفحه ۳

سوریه؛ اعتراض علیه گرانی و فقر  
"الشعب، یُرید، اسقاط النظام"

سیاوش دانشور

صفحه ۴

سپیده قلیان نشان داد هیچ جبهه واحدی وجود ندارد!

سمیرا دولتشاهی

صفحه ۵

خیزش انقلابی و دستاوردهای ماندگار

رحمان حسین زاده

صفحه ۶

میزگرد کمونیست در باره بیانیه حزب حکمتیست

جبهه های اصلی نبرد طبقاتی در ایران، وضعیت حاضر حکومت  
اسلامی و الزامات پیشروی مبارزه انقلابی

صفحه ۷

نگاهی به تحولات امروز جامعه ایران  
بخش اول

وریا روشنفکر

صفحه ۹

ستون اخبار کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

صفحه ۱۰

- اعلامیه خبری - خودکشی و مرگ با حادثه صفحه ۱۲
- دستاوردمرمايه داری جمهوری اسلامی برای کارگران
- اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست صفحه ۱۳
- علیه سرکوب و پادگانی شدن فضای سیاسی جمعه



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-Communist Party of Iran  
Hekmatist

۱۰ شهریور ۱۴۰۲ - ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۳

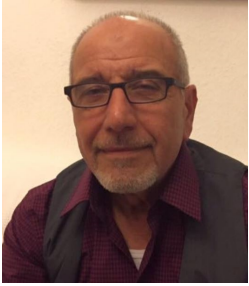
وحشت رژیم اسلامی از  
سالگرد خیزش انقلابی!

در آستانه سالگرد خیزش انقلابی توده های عاصی و منتفرازحکومت مذهبی و سرمایه داری ایران قرارداریم. شبح تکرارخیزش انقلابی دیگرمردم جان به لب رسیده از فقر و فلاکت و اختناق اسلامی، سران ریزودرشت نظام و فرماندهان رژیم را سراسیمه و وحشت زده کرده است. تجربه خیزش انقلابی که کلیت نظام را تا سراسیمگی سقوط پیش برد، کابوس سرنگونی را به خوراک سران نظام تبدیل کرده است. مردم فرجه ای دادند و زبان تهدیدشان درازشده است. تهدید می کنند و ارادل و اوپاش و نیروهای درنده و وحشی را به جان شهروندان انداخته اند و از هیچ جنایتی رویگردان نیستند. تهدید می کنند که اگر "اعتشاش کنید" می کشیم و کوته نمی آئیم. همه امکانات خود را به خدمت گرفته اند تا به مقابله با مردم معترض در روزهای آینده بروند. جامعه را پادگان کرده اند به امید اینکه این شرایط را از سر بگذرانند.

تفروبیزاری غیر قابل وصفی تمام پیکره جامعه را فراگرفته است. اعتراض و اعتصاب و نارضایتی انباشته شده مردم، نفرت عمیق زنان از حاکمیت اسلام و آپارتاید اسلامی و جنسی، مقاومت و مبارزه رودرروی زنان علیه حجاب اسلامی، جمهوری اسلامی را به تنگ آورده و آن را با بن بست روبرو کرده است. از این روی همه سران ریزو درشت رژیم از خامنه ای و رئیسی و مسئولین قضایی و فرماندهان جنایتکاررژیم را به تهدید و سرکوب و خط و نشان کشیدن علیه مردم واداشته است. این رفتاربه غایت وحشیانه با مردم، زنان، جوانان فعالین و زندانیان در بند، رفتار رژیم است که به انتهای خط رسیده است، از سرنگونی وحشت دارد و از آنجایی که جز سرکوب و تهاجم وحشیگرانه

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



اختناق مذهبی به تنگ آمده اند هدفی جز سرنگونی و به گورسپردن دولت مذهبی و سرمایه داری ایران نداشت. این خیزش انقلابی و بخصوص نقش زنان در صف مقدم این مبارزه که جهان را تحت تاثیر قرار داد، علاوه بر فتح سنگرهای مبارزاتی نتوانست و زورش نرسید که کار ناتمام را تمام کند و به سلطه اسلام و تبعیض و نابرابری پایان دهد. جمهوری اسلامی از این فرصت استفاده کرد با وحشیگری تمام

و تهاجم بی سابقه به مردم قصد دارد این سنگرها را باز پس بگیرد، به زور حجاب اسلامی را سر زنان کند، جوانان را ساکت و اوضاع را به عقب برگرداند.

اما محال ممکن است که جامعه باردیگر به زورگویی جمهوری اسلامی و به حاکمیت سیاهش تن دهد. بدون شک زنان دیگر حاضر نیستند ستم و تبعیض را تحمل کنند و ساکت باشند و عقب نشینی کنند. از این جامعه نکبت و فلاکت می بارد و زندگی برای اکثریت مردم کارگرو زحمتکش و زن و جوان جهنمی بیش نیست. فقر و فلاکت و اختناق گسترش می یابد و جمهوری اسلامی برای بقای ننگین خود چاره ای ندارد که به مردم شلیک کند و هرآنکه معترض است دستگیر و زندانی کند. بنابراین تکلیف جمهوری اسلامی با مردم روشن است. این مردمندها، این کارگر و زن و دانشجوی ناراضی و معترض است، این نسلی است که به میدان آمده و ناچار است تکلیف خود را با جمهوری اسلامی روشن کند. از این روی نباید اجازه داد که رژیم اسلامی بیش از این مردم را با خود در باتلاق نیستی فرو ببرد.

سالگرد خیزش انقلابی که همه سران رژیم جنایتکار اسلامی از تکرار آن بشدت هراس دارند، فرصت دیگری است که خیزش انقلابی توده های کارگر و زحمتکش را برای پایان دادن به عمرننگین جمهوری اسلامی گسترش و پر قدرت کرد و با ایستادگی و اعتراض و مبارزه و زنده کردن روزهایی که هراس از سرنگونی را در دل سران جنایتکار جمهوری اسلامی کاشته است، تلاش کرد که دست سرکوبگران را از تعرض به جان مردم کوتاه کرد. در شرایطی که جامعه حاضر نیست به زورگویی جمهوری اسلامی تن دهد، مبارزه و مقاومت به عناوین مختلف ادامه دارد. باید در مقابل دستگیری و زندان و اختناق ایستاد. از مبارزه و مقاومت زنان حمایت کرد، مدافع زندانیان سیاسی و برای آزادی آنان از چنگ جانیان اسلامی تلاش کرد. از خانواده جانبازان که فرزندانشان جان شیرینشان را برای آزادی و برابری فدا کرده اند حمایت کرد و پشتیبانشان بود. صفوف خود را متحد کنیم، اعتصاب و اعتراض و مبارزه مان را متحد و سراسری کنیم و دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی، تنها ابزار بقای رژیم را فلج و دست آنان را از جنایت کوتاه کنیم. جبهه های اصلی نبرد علیه فقر و فلاکت و زن ستیزی جمهوری اسلامی را گسترش دهیم. انتخاب دیگری جز این در مقابل جامعه قرار ندارد. عمرشان به پایان رسیده است. این حکم مردم و صورت مسئله اصلی تحول انقلابی در ایران و مردم معترض و ناراضی است.

سردبیر



## وحشت رژیم اسلامی از سالگرد خیزش انقلابی!

به مردم برای بقا چاره ای نمی بیند، تشنه خون مردم معترض و ناراضی و به پا خواسته اند، و روزی نیست که برای ادامه بقای ننگینشان دست به جنایت نزنند. بقای اسلام و جمهوری اسلامی در خطر است چاره ای نمی بینند جز سرکوب و خشونت!

دولت جمهوری اسلامی اما با این رفتار وحشیانه گور خود را می کند و نفرت و بیزاری علیه خود دامن می زند. سرکوب و زبان تهدید سران و قوای سرکوبگر، نه نشانه قدرت، که بیان زبونی و کابوس مرگ و بحرانهای عمیقی است که کلیت نظام با آن دست به گریبانند. بحران سیاسی، اقتصادی، بحران مشروعیت و فرهنگی. بحرانهایی که خیزش انقلابی ماههای گذشته که سالروز آغاز آن خواب را از چشم سران رژیم اسلامی ربوده است آنها را تشدید و نا علاج کرده است. بنابراین رژیم اسلامی برای بقا به سرکوب هر چه عریانتر روی آورده است. با این وجود و علاوه بر این همه فشار و اختناق و سرکوب باز مقاومت و مبارزه از جانب زنان، کارگران، معلمان، بازنشستگان و خانواده جانبازان ادامه دارد. جمهوری اسلامی حتی اگر سکوت گورستانی هم حاکم کند، باز جامعه تحمل این همه فقر و فلاکت و اختناق و سرکوب و بی حرمتی به انسانها را تحمل نخواهد کرد و علیه آنان دوباره خود را سازمان خواهد داد، قامت خود را راست خواهد و به این جنگ نابرابر ادامه خواهد داد.

هیچ دلیلی وجود ندارد که مردم ساکت شوند. برعکس به دلایل مختلف مردم می خواهند که سر به تن این رژیم سفاک و جنایتکارمانند. اکثریت مردم رنج دیده نه کار، نه زندگی، نه خوشبختی و نه آینده ای زیر حاکمیت ننگین اسلامی برای خود می بینند که به امید آن ساکت و منتظر بمانند و لب به اعتراض نگشایند. جمهوری اسلامی با خوب و بدش، مورد نفرتند و میان اکثریت مردم فقرزده و هیچ ندارو زنان ستم دیده با جمهوری اسلامی، دریایی از خون و جنایت و اعدام و بی حرمتی نهفته است. هیچ نقطه سازشی در میان نیست. تنها با به گور سپردن این جانان تاریخ، مسیر تغییر و تحول انقلابی و خوشبختی به روی مردم باز خواهد شد.

هیچ فرد معترضی در امان نیست، روزانه ده ها نفر از فعالین زن، فعالین جنبشهای اجتماعی و کارگری و دانشجویی و احضار، دستگیری روانه زندان می شوند و معدودی از آنان با وثیقه های سنگین بطور موقت آزاد می شوند. اخیرا اساتید دانشگاهها را که به این وضع معترضند و در این دوره انقلابی حامی و پشتیبان برحق دانشجویان بوده اند یکی پس از دیگری احضار، اخراج و مورد تهدید قرار گرفته و ارازل اوپاش اسلامی و طرفداران حفظ نظام را به عنوان اساتید جایگزین آنان می کنند. دانشگاهها را به پادگان تبدیل کرده اند و عناصر وحشی حشدالشعبی را به عنوان دانشجو به دانشگاهها سرازیر کرده اند. احضار و اخراج دانشجویان مبارزو محروم کردن از تحصیل و تشدید فضای امنیتی در دانشگاهها، تهدید و احضار و دستگیری خانواده جانبازان که به کشتن فرزندانشان توسط جانیان اسلامی معترضند و نمیخواهند در برابر این جنایات ساکت باشند. همه این تمهیدات و اقدامات سرکوبگرانه با هدف ساکت کردن مردم و خفقان در جامعه و به این امید که مردم دست از اعتراض و مبارزه بر دارند و سالروز خیزش انقلابی را بدون مزاحمت از سر بگذرانند. اما آنچه مشاهده می شود مردم، زنان، جوانان و فعالین اسیر در زندانها نمی خواهند تسلیم زورگویی و وحشیگری دولت جنایتکار اسلامی شوند.

تردید نیست که خیزش انقلابی توده های مردم که از فقر و فلاکت و

مرگ بر جمهوری اسلامی!

## فراخوان حزب حکمتیست به پیشواز سالروز برآمد انقلابی شهریور برویم! علیه زن کشی و حجاب اسلامی، علیه فقر و فلاکت اقتصادی!

با قتل عمد حکومتی مهسا (ژینا) امینی، زنان و مردان آزادیخواه در روز ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ روبروی بیمارستان کسری و خیابان آرژانتین تهران جرقه اولین اعتراض را با شعارهای: "ما همه مهسا هستیم"، "می کشم می کشم آنکه خواهرم کشت"، "مرگ بر خامنه ای" و "بنام دین و قانون حلال شده خونمون" را زدند. اجتماعات گسترده بعدی در سقز و مراسم خاکسپاری مهسای عزیز و حجاب برگیران دستجمعی، بشکه باروت انزجار توده ای از حکومت ضد زن اسلامی را منفجر کرد. سلب آزادی و زندگی و ضدیت با زن و پشتوانه یک تقابل قدیمی زنان با حکومت اسلامی شعار؛ "زن، زندگی، آزادی" را به صدر راند. با اعتراضات توده ای و زن محور، حجاب سوزان، ضدیت علنی و توده ای با آخوند و دستگاه دین، تقابل با فقر و گرانی و خواست برابری و رفع تبعیض، جامعه وارد یک دوره انقلابی شد. قریب ۳۰۰۰۰ بازداشتی و ۱۰۰۰ جانبخته و ترور و اعدام آزادیخواهان نتوانست اراده انقلابی را در هم شکنند.

آخوندهایی که در هفت سوراخ پنهان شده بودند بعد از کاهش اعتراضات توده ای و سرکوب خشن، زبان درازی را مجدداً آغاز کردند. انتساب جنایتکار مشهوری مانند پاسدار رادان و تمهیدات حکومتی نتوانسته است سنگرهای فروریخته نظام را بازپس بگیرد. حجاب عملاً ورافتاده است و حکومت خامنه ای علیه قامت بلند انقلاب هیچ غلطی نمیتواند بکند. سرکوب حکومت با تعرض به سفره خالی دهها میلیون کارگر با دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و طرح موسوم به "برنامه توسعه هفتم" قرار است جامعه را به یک برده داری تمام عیار سوق دهد و به تمکین بکشاند. این سیاستها اجزای مکمل و واحد تقابل ضد انقلاب اسلامی با برآمد انقلابی علیه امواج آزادی و برابری است.

در این دوره دیدیم که دولتهای دمکرات برخلاف ادعاهای صوری حمایت از حرکت انقلابی کنار جمهوری اسلامی و قاتلین عزیزان ما ایستادند. دیدیم که اپوزیسیون راست با امکانات زیاد اقتضاح بیار آورد و از سپاه و نیروی سرکوب حمایت کرد و مهمتر جامعه ایران دست رد به سینه آنها زد. بیش از پیش روشن شد که ما فقط میتوانیم روی پای خود بایستیم و به نیروی خود تکیه کنیم. برآمد انقلابی تنها میتواند به نیروی انقلابی و رهبری انقلابی و سیاست انقلابی متکی شود.

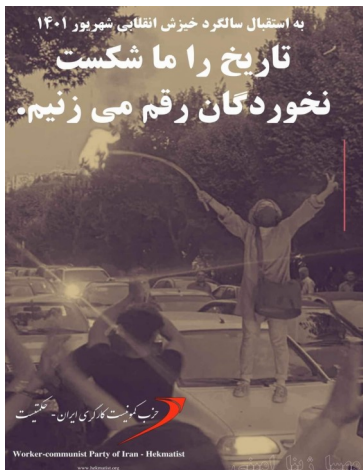
### کارگران، زنان و مردان و نسل پرشور انقلابی!

از امروز تا ۲۵ شهریور نبردهای مهمی پیش رو است. تابستان را میتوانیم و باید به پیش درآمد بیباختن مجدد و سهمگین توده ای و انقلابی بدل کنیم. میتوانیم با ترکیب اعتراض و اعتصاب زمین را زیر پایشان داغ کنیم. میتوانیم سنگرهای جدیدی فتح کنیم و حاکمیت فقر و فساد و جنایت را به گورستانی بفرستیم که از آن بیرون آمده اند.

فراخوان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست اینست که سالروز قتل مهسا را به روز گرامیداشت کلیه جانبختگان برآمد انقلابی و تداوم حرکت انقلابی برای تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی بدل کنیم. از امروز تا شهریور ماه باید در سنگرهای مختلفی حضور یافت. از اعتصاب و اعتراضات کارگری تا حرکات توده ای و امور سازماندهی و رهبری اجزای کار ماست. دوباره برمی خیزیم! یاد یاران را با پر کردن سنگرها و تلاش برای پیروزی گرامی میداریم! علیه زن کشی و فقر و فساد و جنایت، علیه حکومت نکبت اسلامی سرمایه بمیدان می آئیم!

مرگ بر جمهوری اسلامی!  
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست  
۹ تیر ۱۴۰۲ - ۳۰ ژوئن ۲۰۲۳



شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!



آنهاست که قسمتهای مهمی از زیرساخت های کشور را نابود کرده است و تحریم های متعدد و چند لایه و رقابت دولتهای بزرگ و دولتهای منطقه در سوریه باضافه فساد گسترده حزب حاکم سوریه نیز اوضاع را پیچیده تر کرده است .

این برآمد انقلابی و توده ای در سوریه نبود که این وضعیت را در سوریه ایجاد کرد بلکه رقابتهای سیاسی و اقتصادی و ژئوپولیتیک دولتهای آمریکا و روسیه و دول اروپائی و دولتهای منطقه اعم از

جمهوری اسلامی و ترکیه و عربستان و قطر و اسرائیل بود که با ایجاد انواع باندها و نیروهای دست ساز آدمکش در کنار عملکرد به همان اندازه جنایتکارانه بشار اسد، مردم بیخاسته و کشور را در خون و ویرانی غرق کردند. وقتی اصلاح طلبان و قیح ایران از "سورپائی شدن" و لیبیبائی شدن" سخن میگویند، دو تیر را با یک نشان میزنند؛ اول، دست خوئین دولتهایی را می شویند که مسبب مشقات امروز مردم سوریه اند. دوم، خود نیز به کرامات این دولتها دل بسته اند .

سیاست عسرت اقتصادی، چرا امروز؟

کمتر ناظر سیاسی سوریه و منطقه و حتی نیروهای اپوزیسیون دولت سوریه براین نظر است که اعتراضات اخیر دور جدیدی از برآمد انقلابی و یا تکرار ۱۱ سال گذشته است. شعار سرنگونی آنهم در منطقه سویدا که در طول ایندوران در حاشیه سیاست سوریه قرار داشت و در مقابله با داعش نیز نقش ایفا کرده بود، هنوز تهدید جدی ای برای دولت بشار اسد محسوب نمیشود. اهمیت این اعتراضات اینست که در مناطق تحت کنترل دولت بشار اسد قرار دارد و مهمتر برخلاف شعارها و خواستههای فرقه ای متعدد، علیه فقر و فلاکت و گرانی و در اعتراض به وضعیت مشقت باری است که دولت اسد و جمهوری اسلامی و کلیه دولتهای درگیر در سوریه در ایجاد آن کم و بیش نقش داشته اند. بعلاوه اعمال سیاست ریاضت اقتصادی و "بازسازی وطن" همواره و تاریخاً روی دوش خرد شدن استخوان و کشیدن خون طبقه کارگر صورت گرفته است. امروز سوریه وضعیتی دارد که با آوارگی نصف جمعیت و پایان داعش و کنترل نسبی مجدد دولت حاکم، انگار از یک فاجعه اتمی بیرون آمده است و توقعات مردم بشدت پائین و بدوی است و هنوز جامعه نتوانسته از فجایع و تراژدیها کمر راست کند. با اینحال، اعتراض مردم سویدا و درعا مهم است، نفس تازه ای در سیاست سوریه میدهد، از رویدادهای ایران متأثر است، و مهم تر در یک پشت جبهه جمهوری اسلامی صورت میگیرد. خشم و نفرت انباشته از دولت مرتجع و آدمکش سوریه و عملکرد جریانات ضد جامعه، دیر یا زود جانی بروز می کند. بالاخره هر جامعه مشقت دیده ای روزی کمر راست میکند، در جانی دیگر اوضاع غیر قابل تحمل میشود و مرگ و زندگی به مفهوم واحدی بدل میشوند. مردم سویدا نیز در موضع قدرتمندتری نسبت به دیگر استانها قرار دارند، علیه داعش مسلح شدند و جنگیده اند، اگر چه در "اقلیت روزی" طبقه بندی میشوند اما بجز پرچمهای رنگارنگ سنتی شان در اعتراضات اخیر از سر دادن شعارهای فرقه ای و مذهبی خبری نبود. اینها نیز دست دولت اسد را در سرکوب بدرجه ای می بندد.

اگر از عینک قومگرایی و فرقه های مذهبی آدمکش به دنیا نگاه نکنیم، در واقعیت این مردم زحمتکش با وضعیت وخیم اقتصادی کنونی و سقوط آزاد ارزش پوند سوریه نمیتوانند یک وعده غذای درست و حسابی بخورند و تحمل فشار بحران اقتصادی برایشان سخت تر از هر زمان دیگر است. به این دلیل اعتراضات با همراهی دیگر اقشار مثل خطوط ترانسپورت و بستن مغازه ها همراه شد و جملگی علیه گرانی و مافیای دولتی بازار سیاه که توسط دولت اداره میشود و گرانی یک شبه صد درصدی و سقوط دوبرابری ارزش پول در یک شب تحمل شان تمام شد. و بالاخره اینها نیروهای مرتجعی مثل

## سوریه؛ اعتراض علیه گرانی و فقر "الشعب، یُرید، اسقاط النظام"

سیاوش دانشور

از روز دوشنبه ۲۱ اوت در استان سویدا در جنوب سوریه، مردم فلاکت زده علیه گرانی و اوضاع وخیم و غیر قابل تحمل اقتصادی به خیابانها آمدند. در فاصله ده روز گذشته بیش از ۳۰ تظاهرات و حرکت اعتراضی برپا شد و دامنه اعتراضات به استان درعا و بخشی از دمشق تسری یافت. معترضین در سویدا پرچم حکومت را آتش زدند، به دفاتر حزب بعث سوریه حمله کردند، عکسهای بشار اسد را پائین کشیدند، کارکنان را بیرون انداختند و درب دفاتر حزب حاکم را با زنجیر جوش زدند. در مناطق دیگر از جمله در دمشق، تارتوس و لاطقیه اعتراضات محدودتر بود و معترضین عمدتاً با حمایت از خواست سرنگونی و اعتراض به سیاست جدید اقتصادی دولت، از طریق شعارنویسی و انتشار پیام در کانالهای سوشیال میدیا ایران وجود کردند .

شعار "الشعب، یُرید، اسقاط النظام" در اعتراضات اخیر بعد از ۱۱ سال از اولین برآمد توده ای مشهور به "بهار عربی" تکرار شد. خیرشهای سرنگونی طلبانه که در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰ از تونس آغاز شد و زنجیروار در کشورهای منطقه و بخشی از آفریقا از جمله در مصر، الجزایر، سوریه، یمن، بحرین، لیبی، عربستان، عراق، اردن، کویت، مغرب و سودان بدرجات مختلف گسترش یافت .

سیاست فقر از تهران تا دمشق

سوریه بعد از ۱۱ سال جنگ و ویرانی، کشته شدن بیش از ۳۰۰ هزار مردم غیر نظامی، آوارگی قریب ۱۱ میلیون از جمعیت ۲۳ میلیونی، فقر و فلاکت مزمنی که حدود ۹۰ درصد جمعیت را در چنگال خود میفشارد، بار دیگر با تهاجم اقتصادی و سیاست تشدید فقر روبرو شده است. بشار اسد با اعلام طرح حذف و کاهش سوبسید بنزین و گرانی قیمت سوخت، به پیکر نحیف و رنجور مردم فقر زده ضربه دیگری زد. این اقدام در شرایطی صورت گرفت که ارزش پوند سوریه از ماه های قبل مرتباً سقوط کرده بود و با سیاست جدید پوند سوریه دچار سقوط آزاد شد. دولت اسد برای کنترل اوضاع و پیشبرد برنامه تشدید فقر، دستمزدهای بخش دولتی و حقوق بارها زیر خط فقر بازنشستگی را دو برابر کرد، اما این اقدام جواب نداد. در فاصله کوتاهی نرخ برابری پوند و دلار سر به فلک کشید و موجب واکنش مردم در جنوب سوریه شد. یک خبرنگار در دمشق میگوید: "مردم دیگر کیف پول جیبی ندارند بلکه از کوله پشتی برای حمل پول بی ارزش برای خرید مایحتاج اولیه استفاده میکنند ."

بشار اسد نیز مانند دولت اسلامی در ایران روابطش را با کشورهای منطقه بهبود داده است، به اتحادیه عرب بازگشته است، کنترل مناطق بیشتری از سوریه را دارد اما تهاجم به سفره و معیشت مردم فقر زده انجیل دولتهای دیکتاتوری سرمایه در کشورهای منطقه و هر گوشه جهان است. سیاست حذف سوبسید سوخت و گرانی ارزاق از تهران تا دمشق، حتماً سود کمپانی ها و سرمایه داران را چرب تر خواهد کرد اما برای میلیونها مردم کارگر و زحمتکش نتیجه ای جز فقر و فلاکت بیشتر و محکومیت به زندگی در خط مرگ ندارد .

جنگ سوریه مشقات وسیعی برای مردم این کشور بیبار آورده است. اقتصاد کشور تماماً از هم پاشیده است. هنوز بخشی از میداین نفتی سوریه در شمال این کشور در اختیار دولت آمریکا و موثلفینش قرار دارد. دولت ترکیه نیز با حمله نظامی در سال ۲۰۱۹ شهرستانهای رأس العین و تل آبیض در استان الحسکه و شهرستان عفرین در استان حلب را تصرف کرد. بخشی از آوارگی چند میلیونی در داخل کشور نتیجه جنگ و دخالت دولتهای متفرقه و نیروهای تروریستی و آدمکش دست ساز

گسترش اعتصاب و اعتراض مستقر کرد. کارگران و مردم ایران از این نوع اعتراض علیه دولت بشار اسد که متحد جمهوری اسلامی است حمایت می کنند و تضعیف این دولت آدمکش را جزئی از حرکت انقلابی در منطقه برای درهم شکستن جبهه ارتجاعی و تروریستی موسوم به "محور مقاومت" میدانند. پیروزی بر جمهوری اسلامی سکونی است که موقعیت دولتهای سوریه و حزب الله لبنان و دولتها و نیروهای تروریستی مشابه را بدرجات متفاوت دچار حسیض و در آستانه سقوط قرار میدهد. از اعتراض برحق مردم سوریه علیه سیاست عسرت اقتصادی حمایت کنیم و همراه با آنها تکرار کنیم: "الشعب، یُرید، اسقاط النظام!"

۳۱ اوت ۲۰۲۳

## سوریه؛ اعتراض علیه گرانی و فقر "الشعب، یُرید، اسقاط النظام"

سیاوش دانشور

نظامیان و وابستگان "ارتش آزاد سوریه" و جریانات دست ساز نبودند، مردم عادی و زحمتکش بودند که علیه فقر و گرانی و سیاست دولت اعتراض داشتند و صریحاً خواهان سرنگونی نظام شدند.

دولت اسد مانند دولت رئیسی نیروهای امنیتی و نظامی را در استان های درعا و حلب و حوالی لاذقیه و حمص جهت سرکوب و ممانعت از



ایستاده است و از انگ و برجسب نمی هراسد.

سیل انگ و برجسب و گراهای امنیتی کثیف از جمله اتهام ناسیونالیستی و شنیع "تجزیه طلبی" به فردی چون سپیده قلیان (که خود همزمان با حفظ سمت، از زخم خوردگان چهره های سیاسی قوم پرست و حاشیه ای بی ربط به جامعه بود) نشان می دهد در خوشبینانه ترین حالت، پروژه

تخریب قلیان و صدها فعال کارگری و مدنی مستقل دیگر نه تنها یک پروژه امنیتی است، که در بهترین حالت حاصل ضعف و زبونی طالبان سلطنت در سالگرد خیزش انقلابی شهریور است.

اپوزیسیون رژیم چنجی، سازشکار، سپاه و ارتش دوست و ناسیونالیست سلطنتی و در یک کلام "ضدانقلاب راست" باید بدانند که در این مبارزه ضد حکومتی هیچ صف واحدی وجود ندارد و در دوران اعتلای مبارزه انقلابی آنها نیز به مرور در صف حکومت و جمهوری اسلامی قرار خواهند گرفت.

در روزی که راست ارتجاعی و ضد انقلاب سلطنتی رو به روی انقلاب و طبقه کارگر بایستند، پاسخ جامعه نیز همانی خواهد بود که به آمنه ساداتها داده است. ما بر روی صورت گرا دهندگان امنیتی و همصدایان با دستگاه سرکوب مانند سپیده قلیان که بر صورت ارتجاع آب دهان انداخت، آب دهان خواهیم انداخت و این را با خروش خود در پایان شهریورماه تضمین خواهیم کرد.

زنده باد سوسیالیسم  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
مرگ بر ستمگر، چه شاه باشد چه رهبر

۳ شهریور ۱۴۰۲



سپیده قلیان  
بدون حجاب به دیدگاه رفت و به  
صورت بازجو-خبرنگار تف انداخت

## سپیده قلیان نشان داد هیچ جبهه واحدی

وجود ندارد!

سمیرا دولتشاهی

برخورد قاطعانه سپیده قلیان با خبرنگار امنیتی صدا و سیمای جمهوری اسلامی که وکیل و برادر وی آن را شرح داده و رسانه های حکومتی اصلاح طلب و اصولگرا آن را تایید کردند، سر آغاز برانگیخته شدن خشم بخش عمده ای از گروه های طالب سلطنت در فضای مجازی بود.

پرت کردن آب دهان به نمایندگی از مردم آنطور که خود سپیده قلیان می گفت، پرت کردن آب دهان کل جامعه به سوی نظم فاسد سرمایه داری پر تزویر و دروغ جمهوری اسلامی بود.

در این میان اپوزیسیون راست با واکنش دهی به این رویداد ابتدا آن را انکار و سپس به این زندانی دستگاه ستم انگ همکاری با حکومت در تحریف اذهان عمومی (اصطلاحی کاملاً آخوندپسندانه) از هشتگ #شاهزاده را صدا کن قلمداد کردند.

این دیکتاتورمنشی حتی در کنش علیه ساختار موجود یکبار دیگر به همگان ثابت کرد که هیچ "جبهه واحد سرنگونی طلبی" وجود ندارد. بلکه یک جبهه رژیم پنج با زد و بندهای مخفی و علنی با دستگاه های داخل به رهبری اپوزیسیون راست و ناسیونالیست و محافظه کار وجود دارد که در سرکوب فعالان صادق و جان برکف گوی رقابت را از ماموران حکومتی ربودند، و یک سوی دیگر، یک نیروی انقلابی رادیکال در وسط میدان وجود دارد که بدون نرهای تخفیف به سرمایه داری جمهوری اسلامی، رو به جامعه و در مرکز سیاست



نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



شفاف با مذهب و اسلام می‌رود به یک رنسانس ضد مذهبی عظیم نه تنها در ایران و در صورت پیروزی در سطح منطقه و کشورهای اسلام زده تبدیل شود. پس زدن و به حاشیه راندن دسته بندیهای ملی و ناسیونالیستی و محلی بسیار مهم است. اتفاقاً شعار "زن، زندگی، آزادی" یک جنبه مثبتش این بود، اجازه نداد شعارهای ناسیونالیستی و محلی را به آن و به فضای سیاسی و انقلابی جامعه آویزان کنند.

از اینها مهمتر و برجسته ترین خصلت خیره کننده، شکفتن خلاقیت‌های مبارزاتی چه در قالب اهداف و شعارها و خواسته ها و چه در تاکتیک ها و اقدامات متنوع مبارزاتی و به دست دادن ابتکارات قابل تحسین فعالین و پیشروان مبارزات این دوره است. خیزش انقلابی ایندوره در ابعاد اجتماعی ایده انقلاب و انقلابیگری و ابتکارات انقلابی را به کوی و برزن و محله و مراکز کار و به شهرها و دانشگاه و مدارس و به درون منازل و خانواده ها کشاند.

درسهای انقلابی در فرصت چند ماهه در سطح اجتماعی و توده ای بکارگرفته شد و انقلابیگری در سنت رادیکال مبارزاتی جایگاه محکمتری پیدا کرده است. شاخه های مختلف بورژوازی مرتجع که قبل از قتل مهسا و خیزش شهریور و مهر ۱۴۰۱ انقلاب و ایده انقلابی را به تمسخر می‌گرفتند، این بار ریاکارانه به ستایش انقلاب آمدند و البته ریاکاریشان طولی نکشید و رنگ باخت.

اتفاقاً انقلابیگری و رادیکالیسم ناظر بر خیزش چند ماهه عامل اصلی شکست و ناکامی طرحها و ائتلافهای جریانات راست شد. اپوزیسیون راست از خیزش انقلابی مردم پاسخ رد گرفتند و بازنده مهم این دوره اند. ناکامی راست ها و شکست پروژه همه باهمی بی پایه از دیگر دستاوردهای مهم خیزش انقلابی یکساله اخیر است. درپرتو این دستاوردها خیزش انقلابی نزدیک به یکساله اخیر کاراکنتری رادیکال و چپ گرایانه داشت. در سالگرد خیزش انقلابی صورت مسئله اینست قطب چپ و رادیکال چگونه میتواند با تشخیص موانع و محدودیتهای سد راه و کنار زدن آنها تداوم و تکامل خیزش انقلابی را در راستای قد علم کردن آلترناتیو چپ و سوسیالیستی هدایت کند. در مطلب بعدی به این مسئله می‌پردازم.

\*\*\*

**فراخوان آکسیون سراسری در ۱۵ و ۱۶ سپتامبر**  
شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

**آزادی برابری، حکومت شورایی!**

**استرالیا - سیدنی** ۱۵ سپتامبر  
ساعت ۱۸ تا ۲۰ در Sydney Town Hall

**آلمان - کلن** ۱۶ سپتامبر ساعت ۱۷ در Schildergasse 5

**انگلیس** ۱۶ سپتامبر ساعت ۱۳، از لندن آی به شماره ۱۰ دفتر نخست وزیر

**نروژ - اسلو** ۱۶ سپتامبر از ساعت ۱۳ تا ۱۵ Ch.Frederiks plass Oslo

**هلند - آمستردام** ۱۶ سپتامبر  
ساعت ۱۲ تا ۱۶ در Leidsplein Amsterdam

**سوئد - مرکز استکهلم** ۱۶ سپتامبر  
ساعت ۱۵ در Slussen Stockholm

شورای همکاری  
نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

## خیزش انقلابی و دستاوردهای ماندگار

رحمان حسین زاده

دو هفته دیگر روز ۲۵ شهریور اولین سالگرد قتل ژینا امینی (مهسای جوان) و آغاز خیزش انقلابی است. گرامیداشت یاد عزیز جانباختن مهسا و نزدیک به هزار جانباخته مبارز دیگر و پافشاری بر دستاوردهای پر اهمیت و ارج گذاشتن فداکاری و مبارزه توده عظیم شرکت کنندگان و سازماندهندگان نبرد و مبارزه یکساله اخیر به هم گره خورده اند. جامعه بیدار شده و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی بر این واقعیت آگاه است و بر این اساس با اعلام کمپین ها و انبوه اقدامات شایسته، قصد نهادینه کردن اثرات ماندگار و تحول بخش خروش انقلابی سال گذشته و تداوم و ارتقاء پیشرویهای تاکتونی را دارند.

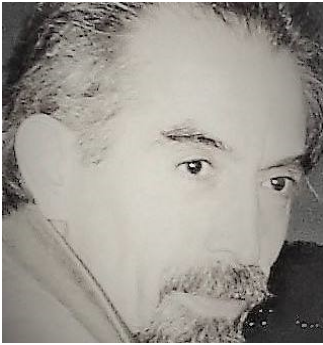
جامعه ی سالها در نبرد با جمهوری اسلامی منتظر انفجار اجتماعی و انقلابی بود. جامعه ای که تجارب دی ماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ و چندین بار اعتصاب گسترده و برجسته و مستمر کارگران هفت تپه و هزاران اعتصابات کارگری دیگر و مبارزه دایمی زنان علیه حجاب را پشت سر گذاشته بود، جامعه ای که متکی به ابتکارات مبارزاتی و متشکل چند ساله فرهنگیان و معلمان و بازنشستگان و بخشهای معترض علیه فقر و گرانی و برای تامین معیشت بود، باقتل دولتی و جنایتکارانه مهسا خشم و انزجار و تحریک انقلابی اش سرریز شد. ۲۵ شهریور سال گذشته سرآغاز خیزش انقلابی سراسری شد که با پیشکسوتی زنان و دختران و نسل جوان، توده مردم جان به لب رسیده را با خواست بی اما و اگر سرنگونی به میدان کشید.

عروج دوباره جنبش سرنگونی ادامه ساده دی ماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ نبود. این بار تکامل یافته تر و ارتقاء یافته تر از قبل بود. اینبار در ابعاد بسیار گسترده تر و تقریباً تماماً سراسری، عمده شهرهای کشور را پوشاند. به دلیل حضور موثر، زنان و دختران و نسل جوان خلاف جریان و قطب چپ رادیکال، خصلتها و المنتهای متفاوت تر و انقلابی و رادیکال در جنبش یکساله اخیر بسیار برجسته تر از دفعه های قبل به صحنه آمد. به این دلایل نه فقط شاهد جنبش سرنگونی عظیم، بلکه در بطن آن و همزمان خیزش انقلابی بزرگ با دستاوردهای مهم بودیم. دامنه گسترده و همبسته سراسری و استمرار آن به ویژه در چند ماهه اول این خیزش در سراسر کشور، علیرغم تفرقه اندازی ناسیونالیسم ایرانی و کرد دستاورد تعیین کننده ای است، که تاکنون این کاراکنتر را حفظ کرده است. پیشکسوتی زنان و دختران خلاف جریان با پرچم مبارزه علیه حجاب و شئونات اسلامی خصلت رادیکال و بسیار منحول و مهم این خیزش است که با مقاطع قبلی خروش انقلابی تمایز اساسی دارد. تقابل

**اسلام و اسلام زدایی**  
**منصور حکمت**  
**ژانویه ۱۹۹۹**

فرد در اسلام، چه راستین و چه غیر آن، بی حقوق و بی حرمت است. زن در اسلام برده است. کودک در اسلام در ردیف احشام است. عقیده آزاد در اسلام معصیت و مستوجب عقوبت است. موسیقی فساد است. سکس، بدون جواز و بدون داغ مذهب بر کپل مرتکبینش، گناه کبیره است. این دین مرگ و خون و عبودیت است

**زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**



کننده و کافی برای توضیح این رابطه بشدت قطبی مردم با حکومت نیست. یک دریای خون بین مردم و حکومت اسلامی قرار دارد، مسائل واقعی جامعه با قدرت سرچاپشان هستند، مردم از دستاورهای یکسال گذشته پس نمی نشینند و علناً می بینند رژیم ناتوان و پوسیده و ترسیده است. مضافاً اینکه فضای انقلابی، امید به تغییر و همبستگی قدرتمند را نتوانسته اند خفه کنند. عبارتی دیگر، اقدامات سرکوبگرانه جواب نداده

است. حتی سراغ خانواده جانبازگان آمدند و با آدم ربائی و خانواده ربائی تلاش میکنند هر منشا تجمع و گرامیداشت و شعله ور شدن حرکت اعتراضی را بگیرند. رشد سه و چهار برابری اعتراضات کارگری علیه فقر و فاقه و بیکاری و بیماری، اعتراض علیه جیب مردم را خالی کردن توسط نهادهای مالی حکومت، فساد و غارت اموال عمومی و اختلاس و ارتشاً سرتاپای حکومت را درنور دیده است. هیچ راه خروجی و بینابینی و نقطه تعادلی هم متصور نیست. سرکوب تنها رکن اعمال حاکمیت برای ارباب جامعه است اما سرکوبگران با تمام هیمنه و تسلیحات شان خود مرعوب وضعیتی ناپایداری هستند که در فضا موج میزند. یک مشکل اینست که هر حرکت و حماقت فوق برنامه میتواند از درون رژیم را دچار فروپاشی کند. تهدید میکند اما توی دلشان بشدت خالی است. مردم هم این را میدانند و در کمین اند تا کار ناتمام را تمام کنند.

**کمونیست:** در بند ۲ بیانیه اشاره شده که مشخصات و کارکرد اجتماعی برآمد انقلابی اخیر که از یک جنبش سرنگونی صرف فراتر می رفت از جمله زن محور بودن، آنتی اسلامیس، آزادیخواهی و برابری طلبی، غیر قومی و غیر ملی و غیر مذهبی بودن است. توضیح و استدلال و نمودهای شما در این رابطه برای روشن شدن این موضع چگونه است؟

**ملکه عزتی:** ملکه عزتی: برای نشان دادن نمودهای مطرح شده در سوال شما و در بیانیه حزب باید به ابتدای شروع اعتراضات و خیزش انقلابی شهریور برگردیم. بعد از قتل دولتی مهسا امینی اولین اعتراضات مردمی بلافاصله در مقابل بیمارستان کسری شروع میشود. زنان بیشترین نیروی این اعتراض اولیه را تشکیل میدهند. شعارهایی که سر داده میشود حاکی از انزجار مردم و خصوصاً زنان از این جنایت فاشیستهای گشت ارشاد است. در مراسم خاکسپاری مهسای جوان زنان حاضر در آرامستان آچی با برداشتن روسری هایشان خشم خود را ازنمادی که به قتل دختر جوانی منجر شده، نشان میدهند. حجاب سوزان و از سر برداشتن حجاب و شعار علیه گشت ارشاد و حافظان حجاب و میلغان فرودستی زن بلافاصله همه گیر میشود. در سایر شهرهای ایران این اقدام در صدر اعتراضات شهریور و ماههای بعد قرار میگیرد. دانش آموزان و دانشجویان و بقیه افساراجتماعی در بیشتر اعتراضات اولین کاری که میکنند به آتش کشیدن حجاب در خیابان است. علیرغم اینکه اعتراض و مخالفت با حجاب به قدمت عمر نکبت بار جمهوری اسلامی است اما در این سطح و در این فرم برای اولین بار است که مردم و سران حکومت شاهد چنین شجاعت و رویارویی از طرف زنان هستند. اما این تنها زنان نیستند که حجاب این مظهر فرودستی و تحقیر نیمی از جامعه را به آتش میکشند مردان هم همراه و همسو با زنان علیه حجاب در صف اعتراضات حضور دارند. اعتراضات دانشجویان به جدایی دختران و پسران در سلف سرویس و پهن کردن سفره مشترک در حیاط دانشگاه از دیگر حرکتیهای برجسته علیه آپارتاید جنسی در فضای دانشگاه است.

اگر بخاطر داشته باشید بیشترین نیروی حاضر در خیابان و در صف اول اعتراضات شبانه زنان و دختران جوانی بودند که در دهه هشتاد دبنیا آمده اند. نسلی که سیستم آموزشی جمهوری اسلامی و جشن تکلیف و آپارتاید جنسی را در جامعه تجربه کردند اما تن ندادند. حضور این نسل جوان و شجاع در صف مقدم برآمد انقلابی تنها محدود به

## میزگرد کمونیست در باره بیانیه حزب حکمتیست

# جبهه های اصلی نبرد طبقاتی در ایران ، وضعیت حاضر حکومت اسلامی و الزامات پیشروی مبارزه انقلابی

**کمونیست:** در بند ۱ بیانیه آمده که در آستانه سالروز برآمد انقلابی شهریور ۱۴۰۱ سران حکومت در وحشت سرنگونی و امواج جدید برآمد انقلابی و توده ای سراسیمه اند. دلایل شما و یا فاکتورهای مهم برای این اوضاع از نظر شما کدامند؟ در شرایطی که اعتراضات خیابانی فروکش کرده و جمهوری اسلامی به تمام ابزارهای سرکوب برای پیشروی خیزش انقلابی مردم متوسل می شود.

**سیاوش دانشور:** سران رژیم کل توش و توان دستگاه سرکوب را بسیج کردند و هر روز برای تولید ارباب رگباری از تهدید را در جامعه پمپاژ می کنند. از خامنه ای جلال و رئیسی قصاب تا اژه ای رئیس فوه قصابیه که از "فاطیعت در برخورد" و "عدم عفو" میگوید، از رئیس سابق سپاه پاسدار جعفری که در جلسه با فرمانداران دستور "آتش به اختیار" و "عدم لزوم کسب تکلیف از سلسله مراتب" برای شلیک میدهد تا امام جمعه های مفتخور و بهارستان نشینان و فرماندهان نیروی انتظامی و امثال رادان و دیگران، اینروزها فقط تهدید میکنند. این تصویر وحشت زده هائی است که دچار کابوس مرگ اند، دست و پا میزنند و داد و بیداد می کنند. به اینها حضور سنگین خیابانی نیروهای ضد شورش را از هفته قبل در مراکز حساس و کلان شهرها اضافه کنید. در کنار این تبلیغات از سر وحشت، احضار و بازجویی و تهدید صداها و هزاران فعال قلمروهای مختلف، اخراج های وسیع دانشجویان و تسویه اسائیدی که با حکومت زاویه دارند یا در خدمت دستگاه سرکوب نیستند، لشکر کشی خیابانی علیه زنان و جنگ و درگیری روزانه و ساعتی را هر ناظری می بیند. هنوز اهم این اقدامات در کنار عملیات جنگ روانی و امنیتی دستگاه های اطلاعاتی و اتاق فکرهای نظام، طرح مسائل انحرافی و فیل هوا کردن، اجرای نمایش تروریستی و تسریع در اعدامها، اعمال فشار به زندانیان و تهدید قلداری نظامی برون مرزی، اطمینان خاطری به حکومت نداده است. خاتمی و اصلاح طلبان و کهنه اطلاعاتی ها و عناصر سوخته سیاسی نیز مجال یافته اند تا با نق نق های درون خانوادگی از "خودبراندازی" سخن بگویند. با اینحال هر روز یک عنصر حکومت از پایان رژیم، از فروپاشی نظام، از فساد بی حد و حصر حکومتی که دیگر دستش برای مردم رو شده است، از نفرت مردم از اسلام و از احساس ناامنی شدید حکومتی ها میگویند. اینها نمایش نیست، محصول رصدهای امنیتی و مشاهدات واقعی و وضعیت زار رژیم است .

دلیل این امر را باید در جامعه جستجو کرد. رژیم اسلامی با مردم و نسلی روبرو است که تره برای اسلام و آخوند و شئونات اسلامی خرد نمیکند و روز روشن علیه همه "مقدسات" ننگین حکومت بدون واهمه حرف میزند. جواب ابوابش "حجاب بان" و "ناهی از منکر" را با اردنگی و پاسخ تند و "خفه شو" و "دلم میخواد" و "غلط زیادی موقوف" و حتی برخورد فیزیکی میدهند. زندانی اسیر در دست این جنایتکاران علیه کل حکومت از صدر تا ذیل حرف میزند. فقر و بیکاری و فلاکت اقتصادی و بیحرمتی و آدمکشی هیچ مجالی برای محاسبات خرد و محافظه کاری مرسوم باقی نگذاشته است. ما با وضعیتی روبرو هستیم که یک رابطه بشدت آنتاگونیزه و آشتی ناپذیر بین مردم و حکومت برقرار است و جای هیچ نقطه سازشی باقی نگذاشته است. یک جنگ تمام عیار در هر گوشه ایران فی الحال در جریان است و کاهش یا فروکش اعتراضات خیابانی فاکتوری مجاب



بسجی های لمپن در معابر عمومی و در خیابان از طرف زنان و دختران جوان از مظاهر و نمادهای بسیار روشن ضد مذهبی و حاکی از تفرق مردم به جان آمده از قوانین حاکم بود. جدا شدن صف مردم آزادیخواه و معترض از هر نماد و خواست اصلاح طلبی و آرام کردن اوضاع هم بسیار برجسته بود. شعار اصلاح طلب اصولگرا تمومه ماجرا طنین انداز شبهای اعتراضی شد.

همزمان مردم صف خود را از هر نوع تلاش و تمایل به یک جمهوری اسلامی بزرگ شده اصلاحات حکومتی و سیاستهای مماشات جویانه طیف راست جدا کردند. جمهوری اسلامی نمیخوایم، نه شاه میخوایم نه ملا، قدرت بدست شورا از شعارهای محوری خیزش انقلابی آبان بود. بنظر من خصلت مدرن و امروزی مبارزات و حضور فعال و بینظیر زنان در صف اول اعتراضات با شعار و خواسته های انقلابی و رادیکال و حضور نسلی که قاطعانه خواهان دگرگونی و تغییرات بنیادی در جامعه بود باعث شد که نگاهها بطرف این خیزش انقلابی برگردد و بیشترین حمایت مردمی را بخود جلب کند. بیانیه حزب هم بر این محوریت و این خصلت بدرستی انگشت گذاشته.

\*\*\*\*\*

## میزگرد کمونیست در باره بیانیه حزب حکمتیست جبهه های اصلی نبرد طبقاتی در ایران وضعیت حاضر حکومت اسلامی و الزامات پیشروی مبارزه انقلابی

آتش زدن حجاب نبود. عکسهای خمینی و خامنه ای که نماد موجودیت جمهوری اسلامی و ازارکان بنیادی این حکومت هستند، در کتابهای درسی پاره شد و به آتش کشیده شد.

توجه داشته باشید این حرکت از طرف نسلی شکل گرفت که شاهد انقلاب 57 نبوده و سران جنایتکار ج ۱ همه تلاش و توانشان را بکار بردند که این نسل را مطابق باورهای بیمارگونه و قوانین عصر حجری مذهبی و اسلامی بار بیآورند، اما با یک جرقه انقلابی همه آن رشته ها پنبه شد. ما شاهد حضور نسلی بودیم که نه تنها کوچکترین تاثیری از آن آموزشها نگرفته بلکه بشدت ضد مذهب و ضد ارتجاع حاکم بود. بیشترین تعرضات از طرف آزادیخواهان حاضر در خیابان به مراکز مذهبی و مکانهایی که برای حکومت خط قرمز هستند صورت گرفت. عمامه پرانی ها مقابله و جوابگویی و تعرض به آخوندهای مفتخور و



### مبارزه با مذهب

دروغ تحویل مردم می دهند. مردم را می ترسانند. مردم را در این دنیا از خشونت می ترسانند و در آن دنیا از عقوبت. این درست مثل مافیا است .

نهاد مذهبی چه مسیحی باشد چه اسلامی چه یهودیست، قبل از اینکه مجموعه ای از باورهای اجتماعی باشد، یک ساختمان

و عمارت بزرگ اجتماعی است که روی پای خودش ایستاده، مالیات میگیرد، پول می گیرد و خرج بقا و حاکمیت خودش می کند.

در نتیجه صنایع دینی پدیده عظیمی در دنیا است. اگر پولی که خرج اسلام میشود را کنار هم بگذارید میبینید با ثروت بزرگترین کمپانی های بین المللی قابل مقایسه است. قابل مقایسه است با هزینه نظامی دهها کشور رویهمرفته. در نتیجه باید مثل یک صنعت به آن نگاه کرد که آگاهانه سعی می کنند محصولش را بفروشند. سعی می کنند بازار را به خودش اختصاص بدهد. سعی می کند مصرف کنندگان را به خودش معتاد بکند. جامعه ای که می خواهد خودش را آزاد کند باید با همین عنوان به مذهب روبرو شود. فکر نکند که این مجموعه باور به خر دجال و گریه بخاطر کربلاست .

این یک صنعت عظیم خرافه پرانی، ارباب مردم و به تمکین و تسلیم کشیدن مردم در مقابل قدرت طبقاتی حاکم است .

و اگر شما یک جامعه آزاد می خواهید باید پول خرج کنید، نیرو بگذارید، نیروی انسانی اختصاص بدهید برای اینکه با این پدیده مقابله کنید. همانطور که با باندهای مواد مخدر مقابله میکنید. همانطور که با کمپانی های سودجویی مقابله میکنید که میدزدند و میبرند و جای خودشان ویرانه بجا میگذارند. با صنعت مذهب هم باید به همین صورت مقابله کرد.

منصور حکمت: کمونیست هفتگی شماره ۳۶۸. در باره مبارزه با مذهب (صفحه ۱۰)

### نگاهی به تحولات امروز جامعه ایران

#### بخش اول

#### وریا روشنفکر

فعالیت خود بیش از شصت استاد دانشگاه را با توجیبات غیرقابل قبول چون بازنشستگی اجباری، عدم تمدید قرارداد و اتهامات بلااستناد اخراج کرده است. و این روند همچنان ادامه دارد. در کنار آن اخراج و تعلیق شماری از دانشجویان از سوی کمیته های انطباقی دانشگاه ها همچنان ادامه دارد .

این روند را اگر در کنار برخورد حکومت با فعالین کارگری، معلمان، بازنشستگان، بحث حجاب اسلامی و اعتراضات به وضعیت معیشت و ده ها مورد دیگر قرار دهیم به یک رویه واحد از جانب حکومت می رسیم. سرکوب !!!

اکنون سوال این است در حالی که حاکمیت عیان تر از همیشه به مصاف آمده است جامعه و علی الخصوص طبقه کارگر چه باید بکند. یا بهتر است بگویم استراتژی ادامه مبارزه چگونه است، آیا تناسب قوا به نفع حکومت است یا مردم؟

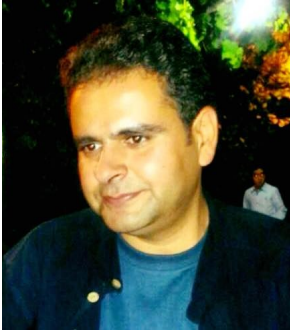
ادامه دارد

## منصور حکمت را بخوانید و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

[www.hekmat.com](http://www.hekmat.com)





دانشگاه همواره یکی از تارکدهای حکومت بوده و هست.

جنبش دانشجویی اساسا دارای پارامترهایی است که آن را از سایر حرکتها تا حدی مجزا می نماید، جنبش دانشجویی آرمان خواه است و مطالبه گر، تابو شکن است و به واسطه خصلت نسل جوان در هر دوره نسبت به زمان خودش آوانگارد و سازش ناپذیر و غیرمتملق است. تمامی این خصوصیات برای هر حکومت اقتدارگرا

کابوس است. از این روی ما در تاریخ شاهد تقابل همیشگی جنبش دانشجویی با حکومتها بوده ایم. سنگر دانشجو فضای دانشگاه است و میدان عمل آن خیابان، به واسطه آرمان گرا بودن و ریشه اکثریت دانشجویان به طبقه کارگر به شدت عدالت خواه و ضد سرمایه داری است. از این روی بسرعت از سوی جامعه مورد همدلی و حمایت قرار می گیرند. بیان مطالبه جنبش دانشجویی صریح، گزنده، توأم با علم و منطق و پرسش گر است، پس به هیچ وجه مورد تایید و خوشایند نظام حاکم نیست.

هفته روز مانده به سالگرد مرگ مهسا و آغاز خیزش انقلابی، همزمان با موج اخراج اساتید باسابقه و مخالف رژیم روبرو هستیم. تصویر نامه محرمانه‌ای به تاریخ ۲۰ دی ماه ۱۴۰۱ در فضای مجازی منتشر شده بود که نشان می‌داد وزیر کشور از رئیس جمهوری خواسته تا دستور شروع «طرح زیربنایی و انقلابی جهت تحول ساختاری در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی» را صادر کند. در این سند آمده، «شورای امنیت کشور» در مصوبه‌ای در دی ماه سال گذشته دستور داده «هیئت علمی در تراز انقلاب اسلامی جذب دانشگاه‌ها شوند.»

ابراهیم رئیسی خود سه‌شنبه ۷ شهریور ۱۴۰۲، از اخراج اساتید دانشگاه دفاع کرد و گفت: «اگر افرادی محدودی خواستند نظم دانشگاه را برهم بزنند خود دانشگاه باید مقابله کند. در چند روز گذشته هم برای من از تخلف افرادی که خطایی کردند و با آن‌ها در کمیته انضباطی برخورد شده گزارشی آمده است.»

حسین شریعتمداری، سردبیر روزنامه حکومتی کیهان، که بیان‌کننده نظرات خامنه‌ای محسوب می‌گردد، چندی پیش در مطلبی با عنوان «در سر هزار فتنه نیرنگ‌های رنگی!» «از اخراج اساتید و جذب افراد انقلابی و ارزشی حمایت کرده و نوشته بود: «چند تن از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها که در جریان اغتشاشات پاییز سال گذشته نه فقط از اغتشاشات و اغتشاشگران حمایت کرده بودند، بلکه در پاره‌ای موارد با ارادل و اوباش اغتشاشگر در جنایت علیه مردم مظلوم این مرزوبوم همراه بودند، از دانشگاه اخراج شده‌اند. این کمترین و بیش‌پاافتاده‌ترین مجازات در مقابل اقدام‌های پلشت و غیرانسانی آن‌ها است.»

همزمان با سرریال اخراج اساتید از دانشگاه‌های کشور، خیر استخدام دو مجری صدا و سیما، امیرحسین ثابتی و عباس موزون در دانشگاه شریف برای تدریس در نیم سال جدید این دانشگاه رسانه‌ای شد. امیرحسین ثابتی مجری برنامه «جهان آرا» در شبکه افق است و عباس موزون اجرای برنامه «زندگی پس از زندگی» در شبکه چهار سیما را بر عهده دارد.

همچنین سجاد صفار هرندی، فرزند محمدحسین صفار هرندی وزیر ارشاد دولت اول محمود احمدی نژاد نیز به عنوان یکی دیگر از اساتید جدید دانشگاه شریف معرفی شده است. صفار هرندی عضو ستاد انتخاباتی محمود احمدی نژاد و مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۶ بود. او سابقه مدیریت «پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی»، از موسسات زیرمجموعه «حوزه هنری انقلاب اسلامی» را نیز در کارنامه دارد. طبق برخی بررسی‌های آماری، دولت سیزدهم در دو سال

## نگاهی به تحولات امروز جامعه ایران

بخش اول

وربا روشنگر

آنچه که تحت عنوان انقلاب فرهنگی نامیده شد، اقدامی بود که به فرمان خمینی در فاصله سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۲ خورشیدی با هدف پاکسازی استادان و دانشجویان انجام شد. انقلاب فرهنگی هدفش را اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها و از بین بردن فاصله بین حوزه و دانشگاه اعلام کرد. اما در عمل هدف اصلی آن حذف مخالفان و هواداران جریان‌های سیاسی بود که دانشگاه‌ها را به عنوان سنگری جهت مبارزه با ارتجاع اسلامی بدل نموده بودند.

گروه‌های زیادی از هواداران جریان‌های سیاسی، سازمان‌های چپ و انقلابی هرکدام برای خود دفتری در دانشگاه‌ها داشتند. ضعیف‌ترین گروه، مجموعه‌ای از دانشجویان طرفدار حکومت با نام «انجمن اسلامی دانشجویان» بود. این مجموعه اگر چه پایگاه فکری مستحکم و قابلیت فعالیت گسترده نداشت اما متعلق به حکومت و در جهت پیشبرد خطوط ضد انقلاب حاکم بود.

هدف دانشجویان و دانشگاهیان جا انداختن آزادی‌های سیاسی و بازگشت جامعه به روال عادی زندگی و برگرداندن کلاس‌های درس به مجرای آکادمیک خود بود. اما با حمله به دانشگاه و انقلاب فرهنگی تمامی این اهداف ناموفق ماند.

خمینی که در سخنرانی‌های مختلف فضای آن‌زمان جامعه را علیه سازمان‌های اپوزیسیون تهییج می‌کرد، در سخنرانی خود در روزهای پایانی فروردین ۵۹ حکم نهایی را در مورد آن‌ها داد. او از برجیدن دفاتر گروه‌های اپوزیسیون ظرف سه روز سخن گفت. بنی‌صدر پس از فرمان خمینی مبنی بر برجیدن دفاتر نیروهای اپوزیسیون از دانشگاه، در ۳۰ فروردین ۱۳۵۹ فرمان حمله به دانشگاه را صادر کرد و بدین ترتیب پروژه‌ای به عنوان انقلاب فرهنگی با حمله به دانشگاه‌ها آغاز شد.

این حمله با کشمکش‌های بسیار و خونریزی و اعمال خشونت همراه شد. سرانجام بعد از یک هفته درگیری‌ها پایان یافت و مراکز آموزش عالی برای مدتی نامعلوم تعطیل شدند. بیش از دو سال طول کشید تا مجددا آموزش عالی در ایران اقتد. بسیاری این تعطیلی را یک فاجعه آموزشی دانسته‌اند. پس از آن هیئت‌هایی از طرف سازمان‌دهندگان انقلاب فرهنگی به تصفیه هزاران استاد دانشگاه و دانشجو پرداخته و آن‌ها را از دانشگاه اخراج کردند. بعدها با ایجاد سهمیه‌ی بسیج، تلاش بسیاری برای وارد کردن نیروهای حامی خمینی به دانشگاه انجام شد.

جواد باهنر، حسن حبیبی، عبدالکریم سروش و مهدی ربانی املشی را می‌توان مجریان اصلی این جنایت نامید که تحت عنوان شورای انقلاب فرهنگی به همراه علی شریعتمداری، جلال‌الدین فارسی و شمس‌الاحمد در واقع میخ بر تابوت دانشگاه‌ها زدند. مهم‌ترین اقدامات این شورا را می‌توان چنین نام برد:

بازبینی محتوای کتاب‌های درسی ---

حذف تفکرات چپگرا

اخراج دانشجویان و استادان بهائی از دانشگاه

اسلامی کردن دانشگاه‌ها

ایجاد سیستم گزینش جهت دانشجویان و اساتید

این رویه و ذهنیت در جمهوری اسلامی تا به امروز ادامه داشته و



بعد از مراجعات پی‌درپی به مقامات شهری می‌گویند با این وضعیت گرانی‌ها، سه و نیم تا پنج ماه بی‌حقوق زندگی کرده‌ایم. چرا کسی به داد ما نمی‌رسد؟

## ستون اخبار کارگری و اعتراضات اجتماعی

### تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری و آرش کلهر

**اعتراض و تجمع کارکنان شرکت تراورس مقابل وزارت اقتصاد**  
جمعی از کارگران امور نگهداری خط و ابنیه فنی شرکت خدمات مهندسی راه آهن جهت خروج از لیست واگذاری مجدد سازمان خصوصی سازی مقابل وزارت اقتصاد تجمع کردند. شرکت "خدمات مهندسی خط و ابنیه فنی راه آهن (تراورس)" یکی از بنگاه های خیلی بزرگ و کلان است که ۱۰۰ درصد سهام آن متعلق به راه آهن وابسته به وزارت راه و شهرسازی است. مقدار ۹۵ درصد از سهام این شرکت سال ۸۹ به ارزش ۱۵۹ میلیارد تومان، به شرکت آهن و فولاد لوشان واگذار گردید. بعد از ۸ ماه و با توجه به عدم ایفای تعهدات توسط خریدار مبنی بر پرداخت اقساط قراردادی در مواعد معین، در جلسه هیأت واگذاری با ارجاع پرونده به هیأت داورى به دلیل حجم بالای مطالبات معوق موافقت می‌کند و بالاخره بعد از ده سال در سال ۹۹ قرارداد فسخ می‌شود. بعد از این، ورود مجدد شرکت به لیست سازمان خصوصی‌سازی باعث اعتراض و نگرانی کارکنان شرکت تراورس شده است.

**اعتصاب و تجمع اعتراضی کادر درمان بیمارستان میلاد تهران**  
روز یکشنبه ۵ شهریور ۱۴۰۲ پرستاران و پزشکان بیمارستان میلاد در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد، عدم پرداخت حق بیمه کارکنان و مختل شدن مزایای درمان، دست به اعتصاب زدند و خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند. در طی تجمع اعتراضی پرستاران، مردم نیز به تجمع اعتراضی کادر درمان بیمارستان میلاد پیوستند و حمایت خود را اعلام کردند.

**تجمع اعتراضی کارگران ماشین سازی اراک**  
روز دوشنبه و سه‌شنبه ۶ و ۷ شهریورماه ۱۴۰۲، کارگران ماشین سازی اراک در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان دست به تجمع زده و تصمیم دارند اعتراضشان را به مقابل استانداری استان مرکزی بکشانند. این کارگران حدود یکماه است در اعتصاب و اعتراض به سر می‌برند. در ادامه اعتراضات کارگران "ماشین‌سازی اراک"، جلسه روز سه‌شنبه شورای تامین استان مرکزی بدون حضور نماینده کارگران برگزار شد. قرار بود جلسه شورای تامین استان که از ساعت ۱۱ صبح تا حوالی ساعت ۱۳ طول کشید، با موضوع رسیدگی به وضعیت بحران پیش آمده در این واحد تولیدی تشکیل شود. کارگران ماشین‌سازی اراک گفتند: در این جلسه از نماینده کارگران معترض هیچ دعوتی به عمل نیامده است و در مقابل از مدیریت کنونی کارخانه برای شرکت در جلسه دعوت شده است. کارگران می‌گویند: اعتراض کارگران از روز دوشنبه هفته گذشته آغاز شده است و بی‌توجهی به مطالبات کارگران موجب طولانی شدن اعتراض شده است. اداره کار نیز برای کارگران کاری نمی‌کند. کارگران ماشین‌سازی اراک با یادآوری اینکه در این مجموعه حدود ۱۷۰۰ کارگر به صورت رسمی، قراردادی و تامین نیرو مشغول کارند که فاقد امنیت شغلی هستند، افزودند: اعتراض کارگران به وضعیت تولید و عملکرد مدیران کارخانه است. به گفته آنان، اگرچه جلسه شورای تامین استان برای پی گیری مشکلات کارخانه ماشین‌سازی به اتمام رسیده اما هیچ کدام از کارگران از جزئیات این جلسه با خبر نیستند. کارگران ماشین‌سازی اراک در عین حال از ادامه اعتراض‌های خود در مقابل ساختمان اداری خبر می‌دهند.

**عدم پرداخت چندین ماهه حقوق کارگران شهرداری خاش**  
به گفته یکی از کارگران شهرداری خاش، کارگران قراردادی این شهر سه و نیم و کارگران شرکتی پنج ماه است که حقوق نگرفته‌اند. آن‌ها

**تجمع اعتراضی جمعی از کارگران پروژه‌های شهرداری تهران**  
صبح روز دوشنبه ۶ شهریور ۱۴۰۲، در ساختمان اصلی شرکت کنترل ترافیک تهران در خیابان فاطمی جمعی از کارکنان "موسسه رایانه شهر" که در پروژه های مرتبط با نگهداری تجهیزات شهری مشغول فعالیت هستند هم زمان با برگزاری جلسه هیئت مدیره موسسه رایانه شهر در این ساختمان، در اعتراض به عدم پرداخت چندین ماهه مطالبات معوقه شان و همچنین شرایط کاری و عدم پاسخگویی مدیران این موسسه، دست به تجمع اعتراضی زدند.

**مرگ و مصدومیت هفت کارگر در پالایشگاه گاز سرخس**  
روز پنجشنبه دوم شهریورماه ۱۴۰۲، وقوع حادثه‌ای در پالایشگاه گاز سرخس، مرگ و مصدومیت هشت کارگر را در پی داشت. سرپرست معاونت امنیتی استانداری خراسان رضوی در این خصوص گفت: "نشت گاز محصور شده در یکی از شیرهای بخشی از پالایشگاه هاشمی نژاد سرخس که در دست تعمیر بوده است، منجر به انفجار شد". محمد زهدی افزود: "دو نفر از کارکنان پالایشگاه بر اثر این انفجار جان باختند و پنج مجروح این حادثه به بیمارستان سرخس منتقل شدند که حال عمومی آنان مساعد است". هویت دو کارگر جانباخته مهندس سید کاظم میری، مسوول اورهال واحد دوم تصفیه گاز و هد شبفت A واحد تصفیه گاز و آقای سنجرانی از کارگران بخش خدمات واحد اعلام شده است.

**سه کارگر در یزد، مشهد و نیشابور در حین کار جان خود را از دست دادند**

روز سه‌شنبه ۷ شهریور یک کارگر ۴۳ ساله چاه کن در یزد در عمق چاه آب دچار برق گرفتگی شد و جان خود را از دست داد. در مشهد نیز یک کارگر حدود ۶۱ ساله در یکی از کارخانه‌های شهرک صنعتی طرق هنگام تخریب دیوار سوله بر اثر ریزش ناگهانی دیوار جان باخت. احمد نگهبان، فرمانده انتظامی مشهد گفت: "این حادثه در نتیجه رعایت نشدن نکات ایمنی رخ داده که موجب خراب شدن دیوار بلوکی روی کارگر می‌شود". همچنین یک کارگر ۲۰ ساله ساختمانی هنگام کار در یک پروژه ساختمانی در حال ساخت واقع در شهر نیشابور در استان خراسان رضوی، بر اثر حادثه برق گرفتگی جان خود را از دست داد. بنا به این گزارش، این کارگر به علت اتصال میلگرد به سیم برق دچار برق‌گرفتگی شده و از طبقه سوم به پایین پرتاب شده است.

**تجمع اعتراضی بازنشستگان**  
روز یکشنبه ۵ شهریور ۱۴۰۲ بازنشستگان صنایع فولاد البرز غربی، صنایع فولاد اصفهان، بازنشستگان تامین اجتماعی شوش، کرمانشاه، دزفول، اهواز و شوشتر در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان از جمله همسان‌سازی حقوق‌ها و درمان رایگان مجدداً دست به تجمع زدند.

**تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات**  
روز دوشنبه ۶ شهریور ۱۴۰۲ جمعی از بازنشستگان مخابرات منطقه اهواز، رشت، مشهد، شیراز، اصفهان، گرگان، کرمانشاه، شهرکرد، سنندج، ساری، بندرعباس، زنجان، ارومیه، خرم‌آباد، تبریز، بروجرد، اراک، ایلام و تهران در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی، مطابق تجمعات هفتگی دوشنبه‌های اعتراضی،

گرمسیری با بیش از ۲۰ سال سابقه تدریس در مناطق محروم استان خوزستان دارد. این فعال صنفی معلمان به جهت شرکت در تجمعات صنفی معلمان در سال ۱۴۰۱ طی حکم هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداره کل آموزش و پرورش استان و با تأیید هیات عالی رسیدگی به تخلفات وزارت آموزش و پرورش به ۴ ماه انفصال موقت از خدمت محکوم شده است.

**رفیق سلیمی به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم شد**  
رفیق سلیمی، فعال کارگری اهل سنندج توسط دادگاه انقلاب این شهر به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم شد. رفیق سلیمی روز ۷ آذر ۱۴۰۱ توسط نیروهای امنیتی در سنندج بازداشت شد و تاکنون در زندان مرکزی سنندج محبوس است. وی به اتهام "ایجاد گروه‌های غیرقانونی و اقدام علیه امنیت ملی کشور" و "افساد فی الارض" به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم شده است. گوش چپ و کتف رفیق سلیمی در جریان بازداشت و بازجویی، بر اثر شکنجه‌ها آسیب دیده است.

**محکومیت ریحانه انصاری نژاد**  
ریحانه انصاری نژاد فعال کارگری، به ۴ سال حبس تعزیری محکوم شد. او به عنوان مجازات تکمیلی به مدت ۲ سال از عضویت در احزاب، گروه‌ها، دستجات سیاسی و فعالیت در فضای مجازی، رسانه‌ها و مطبوعات و خروج از کشور محکوم شد.

**صدور حکم اخراج از کار برای سارا سیاهپور**  
هیات تخلفات آموزش پرورش استان البرز، با صدور حکمی سارا سیاهپور معلم اهل البرز را از کار اخراج کرد. اتهامات وارده به خانم سیاهپور در برگیرنده رای قابل پژوهش حکم اخراج این فعال صنفی، فعالیت صنفی و مطالبه‌گری قانونی، شرکت در تجمعات و تحصنات قانونی معلمان، شرکت در کمپین زن زندگی آزادی و حمایت از آن، استفاده از استیکر بنیادگذار جمهوری اسلامی، تشکیل گروه غیرهمکاری در مدرسه به نام "خوشگلا" در فضای مجازی (اعضا ۱۴ نفر همکار خانم سیاهپور که همگی معلم و در مدرسه محل تدریس ایشان هستند) قید شده است.

**آنیشا اسداللهی به خاطر گفتن زن زندگی آزادی ممنوع الملاقات شد**  
آنیشا اسداللهی، مترجم که محکومیت ۵ ساله‌ای را به اتهام حمایت از تشکل‌های صنفی مستقل سپری می‌کند، به سبب سر دادن شعار زن زندگی آزادی ممنوع الملاقات شد. دوهفته پیش تعداد زیادی از زندانیان بند زنان اوین به مناسبت روز خبرنگار در هواخوری زندان جمع شده و در حمایت از روزنامه نگاران و فعالان زندانی، و جنبش زن زندگی آزادی، شعار دادند. در همین راستا، در این هفته آنیشا اسداللهی از ملاقات با خانواده خود محروم شد، و بر خلاف آیین نامه زندان تاکنون از ملاقات با همسر زندانی خود، کیوان مهدی، نیز محروم شده است. کیوان مهدی نیز به اتهام حمایت از تشکل‌های مستقل صنفی محکوم به ۵ سال زندان می‌باشد.

**وخامت وضعیت جسمی اصغر امیرزادگان از فعالین معلمان**  
طبق گزارش منتشرشده، شرایط جسمانی اصغر امیرزادگان، نامساعد می‌باشد. ایشان به مدت طولانی دچار تورم و خونریزی معده می‌باشد و ضرورت دارد که در شرایط خاص و تحت نظر دکتر متخصص باشند. تقاضای مرخصی پزشکی آقای امیرزادگان، در حالی توسط دادستان فیروزآباد رد شده است که ایشان روز سه‌شنبه ۷ شهریورماه نوبت اضطراری جهت مداوا در یکی از مراکز درمانی شیراز را دارند. قابل ذکر است آقای امیرزادگان یک سوم از دوران حبس خود را گذرانده‌اند، قانوناً و با توجه به شرایط جسمانی ایشان دادستان می‌تواند با آزادی برای ادامه روند درمان‌شان موافقت کند.

**احضار مظفر صالح‌نیا توسط نهادهای امنیتی در سنندج**  
روز سه‌شنبه ۷ شهریور ۱۴۰۲، مظفر صالح‌نیا از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران پس از احضار تلفنی توسط

## ستون اخبار کارگری و اعتراضات اجتماعی

### تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

مجدداً مقابل شرکت مخابرات این شهرها دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

**تجمع اعتراضی بازنشستگان کشوری**  
روز سه‌شنبه ۷ شهریور ۱۴۰۲، جمعی از فرهنگیان بازنشسته و دیگر بازنشستگان کشوری کرمانشاه، پلدختر، کوهدشت، ارومیه، تهران، سنندج، یزد، اردبیل، قزوین و ایلام مجدداً و مطابق با سه‌شنبه‌های اعتراضی و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان مقابل ساختمان صندوق بازنشستگان کشوری دست به تجمع زدند.

**تجمع اعتراضی معلولان**  
روز یکشنبه ۵ شهریور ۱۴۰۲، جمعی از معلولان در اعتراض به عدم اجرای ماده ۲۷ قانون معلولان مقابل نهاد ریاست جمهوری در پاسنور، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

**تجمع اعتراضی بیماران دیستروفی عضلانی دوشن مقابل وزارت بهداشت**

جمعی از بیماران دیستروفی عضلانی دوشن و خانواده‌های آنان مقابل وزارت بهداشت در تهران تجمع برگزار کردند و خواستار ورود داروی ژن درمانی (الویدیس) شدند. بیماری دیستروفی عضلانی، نوعی بیماری ژنتیکی پیشرونده است که عضلات بیمار دچار تحلیل می‌شود و انواع متعددی دارد. دوشن شایع‌ترین و شدیدترین نوع از بیماری‌های دیستروفی عضلانی است که در مواقع شدید منجر به معلولیت خیلی شدید و مشکلات تنفسی و مرگ می‌شود.

**تجمع اعتراضی دانشجویان دندانپزشکی**  
روز سه‌شنبه ۷ شهریور ۱۴۰۲، دانشجویان دندانپزشکی سراسر کشور جلوی درب اصلی وزارت بهداشت در اعتراض به نحوه برگزاری، عدم اعلام منابع و تاریخ آزمون صلاحیت بالینی دندانپزشکی تجمع اعتراضی برگزار کردند. دانشجویان خواستار لغو آزمون شدند.

**تأیید حکم اخراج دانه از کار فریبا انامی در دادگاه تجدیدنظر**  
تجدیدنظر هیات تخلفات وزارت آموزش و پرورش، حکم اخراج فریبا انامی از فعالین گیلان را عیناً تأیید نموده است. خانم انامی، از معلمان خوشنام و پرتلاش انزلی است که همواره خارج از محیط آموزشی هم حامی کودکان بوده است.

**تعیین زمان دادگاه رسیدگی به اتهامات کامران ساختمانگر**  
طبق ابلاغیه‌ای که روز شنبه چهارم شهریورماه ۱۴۰۲، از سوی دادگاه انقلاب سنندج برای کامران ساختمانگر صادر شده است، جلسه رسیدگی به اتهامات وی در تاریخ سه‌شنبه ۱۴ شهریورماه ۱۴۰۲ در شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج برگزار خواهد شد. کامران ساختمانگر اهل شهر سنندج روز پنج‌شنبه ۷ مهرماه ۱۴۰۱، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. نهایتاً عصر شنبه ۶ اسفندماه ۱۴۰۱، در ادامه تخفیف در مجازات و آزادی زندانیان سیاسی، کامران ساختمانگر پس از ۱۴۹ روز بازداشت از زندان مرکزی سنندج آزاد شد.

**صدور حکم انفصال موقت از خدمت برای بهاره عسگری‌زاده**  
بهاره عسگری‌زاده، معلم و فعال صنفی از استان خوزستان منطقه الوار

## ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

### تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی سندانج مورد بازجویی قرار گرفت. این نهاد امنیتی با اشاره به فرا رسیدن سالگرد خیزش مردمی سال ۱۴۰۱، ضمن تهدید به پرونده‌سازی مجدد علیه مظفر صالح‌نیا از او خواسته‌اند تا تعهدنامه‌ای مبنی بر عدم شرکت در اعتراضات امضا نماید که با مخالفت شدید آقای صالح‌نیا روبرو شده است. لازم به ذکر است که نهادهای امنیتی در روزها و هفته‌های اخیر در اکثر شهرهای کشور اقدام به احضار و بازجویی از فعالین سیاسی و بازداشت شدگان اعتراضات مردمی سال گذشته نموده‌اند.

### بازداشت غلامرضا اصغری از اعضای کانون معلمان اردبیل

نیروهای امنیتی، صبح روز سه‌شنبه ۷ شهریور ۱۴۰۲، وارد منزل این معلم شده‌اند و وی را بازداشت کرده و موجب نگرانی و وحشت اعضای خانواده ایشان شده‌اند. بهرام نعمتی، معلم و عضو کانون صنفی فرهنگیان اردبیل در این باره می‌گوید که آقای غلامرضا اصغری؛ معلم بازنشسته و از فعالان صنفی فرهنگیان اردبیل هستند و طبق معمول هر سه‌شنبه، در حال آماده شدن برای شرکت در تجمع صنفی سه‌شنبه‌های بازنشستگان بوده‌اند که در منزلشان بازداشت شده و پیگیری‌های خانواده و معلمان اردبیل برای آزادی ایشان هنوز به نتیجه نرسیده است.

### صدور حکم انفصال دایم از مشاغل دولتی برای عزیز قاسمزاده

هیات بدوی رسیدگی به تخلفات کارکنان آموزش و پرورش استان گیلان که پیشتر در تاریخ هفتم تیر برای عزیز قاسمزاده لیاپی ۲۵ بند اتهاماتی را در زندان لاکان ابلاغ کرده بود که بعضاً از اساس کذب بوده و در برخی از آن تاریخ‌ها حتی جمعی برگزار نشده بود، رای خصمانه خود مبنی بر اعمال شدیدترین نوع مجازات یعنی انفصال دائم از تمام خدمات دولتی نسبت به این معلم با بیش از ۲۵ سال سابقه خدمت، ابلاغ کرد. عدم تناسب رای صادره حتی با همان اتهامات کذب انتسابی کاملاً مشهود است. این هیئت حتی پا را از احکام ظالمانه اخراج از دستگاه متبوع (آموزش و پرورش) فراتر نهاده و حکم شدیدتر یعنی انفصال خدمت از تمام دستگاه‌های دولتی را برای این معلم باسابقه صادر کرده است. یکی از اقدامات خصمانه در صدور این رای اشاره این هیئت به محکومیت اداری عزیز قاسمزاده در سال ۹۵ به تبعید یک ساله تغییر محل جغرافیایی از انزلی به رودبار است؛ در حالی که در رای تجدید نظر این حکم شکسته شد و رای بدوی ابطال شده بود.

\*\*\*

## اعلامیه خبری

### خودکشی و مرگ با حادثه؛

#### دستاورد سرمایه داری جمهوری اسلامی برای کارگران

با خودکشی کارگر اخراجی اورهال پالایشگاه آبادان (تعمیر و نگهداری) این پنجمین کارگری است که طی دو ماه اخیر دست به خودکشی زده است. ۴ کارگر دیگر از پتروشیمی چوار ایلام نیز طی این دوماه دست به خودکشی زده‌اند که آخرین آنها حیدر محسنی متاهل و پدر دو فرزند بود که پس از اخراج در ۴ مرداد دست به خودکشی زد. بی تردید اینها آخرین خودکشی‌های کارگری نخواهد بود.

چندی پیش نیز یک کارگر در آستانه بازنشستگی شرکت رجا در تیرماه خود را با انداختن بر روی ریل قطار کشت زیرا یکسال مانده به بازنشستگی اخراج شده بود. خبر خودکشی‌ها که اغلب سانسور می‌شود، کنار سانسور روزانه حداقل ۵ "حادثه کار" منجر به مرگ در روز که نیمی از آنها حوادث کار ساختمانی هستند، رنگ باخته‌اند.

همین ابتدای مردادماه امسال بود که عدم رعایت اصول ایمنی در شرکت‌های ثروتمند پتروشیمی و گاز جان سه کارگر را گرفت. پروژه ثروتمند موسوم به "غرب کارون" طی کار در فضای بسته با نشت گاز قابل احتراق جان سه نفر را گرفت. هفته گذشته نیز همان پروژه طی کار در فضای بسته که پیچیده‌ترین پروتکل‌های ایمنی را باید داشته باشد، جان یک کارگر دیگر را گرفت که هنوز هویت او روشن نیست.

تامین امنیت و رفاه کارگر وظیفه هر نظام اجتماعی و سیاسی است که مشخصاً سرمایه داری جمهوری اسلامی با محور قرار دادن سود و تولید حداکثری از یکسو، و فقدان نظارت و رعایت ضوابط ایمنی کار و مزد حداقلی از سوی دیگر، شرایط مرگبار کار را بر کارگر تحمیل کرده است. آنچه در ایران زیر تیتر "حوادث کار" اعلام می‌شود، قتل‌های عمد در محیط کار ناامن است. قتل‌هایی که بدلیل سودجویی سرمایه داران و فقدان سیستم ایمنی کار رخ میدهد. آمار این قتلها در سال در ایران و کشورهای مشابه باندازه قربانیان یک جنگ گرم است.

سیستم به کارگر این پیام را می‌دهد که یا خودت را قبل بازنشستگی بکش، یا در "حادثه کار" بمیر یا در آینده انتظار دریافت خدمات از صندوق‌های ورشکسته بازنشستگی را نداشته باش! فراخوان این رژیم برای کارگران در یک کلمه قابل خلاصه شدن است؛ مرگ!

کارگر برای رهائی و توقف این قتل‌های سریال راهی ندارد که سیستم مبتنی بر بردگی و مرگ را بزیر بکشد.

مرگ بر جمهوری اسلامی  
آزادی، برابری، حکومت کارگری  
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
۹ شهریور ۱۴۰۲ - ۳۱ اوت ۲۰۲۳

مجمع عمومی ظرف ابراز وجود مستقیم و مستمر  
کارگران است!  
مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر نیازی برپا کنید!  
جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!



کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض!



## اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

## علیه سرکوب و پادگانی شدن فضای سیاسی

## تهاجم رژیم کتار به زنان، فعالین جنبش انقلابی،

## خانواده‌های جان باختگان و دانشجویان را محکوم می‌کنیم

در آستانه سالروز جنبش انقلابی توده‌های مردم ایران، جمهوری اسلامی تهاجم همه‌جانبه و فزاینده‌ای را به زنان، فعالین جنبش انقلابی و جنبش‌های اجتماعی، خانواده‌های جان باختگان، دانشجویان و اساتید مترقی دانشگاه‌ها تشدید و فضای سیاسی جامعه را پادگانی کرده است.

## تهاجم به زنان و مقاومت علیه حجاب اسلامی

در شرایطی که زنان همچنان جسورانه علیه حجاب اسلامی مبارزه می‌کنند، رژیم، قوانین ضد زن را افزایش داده، اوباشان حزب الهی، دستگاه کنترل و سرکوب را به جان زنان انداخته است، اما تاکنون نتوانسته مبارزه زنان را در هم بشکند. مقاومت و مبارزه زنان در برابر تهاجمات افسارگسیخته رژیم به امری روزمره و فراگیر بدل شده است.

## دستگیری فعالین جنبش انقلابی و کنش‌گران جنبش‌های اجتماعی

تا کنون هزاران فعال جنبش انقلابی، و کنش‌گران جنبش‌های اجتماعی در سراسر جامعه دستگیر و یا به مراکز قضایی و پلیسی احضار شده‌اند. طی هفت ماه گذشته، تنها در کردستان بیش از هفتصد نفر دستگیر و به زندان انداخته شده‌اند. بسیاری از نهادها، گروه‌های شغلی و اجتماعی که در جنبش انقلابی نیمه دوم سال گذشته مشارکت و یا با آن همبستگی داشته‌اند، مدام تهدید می‌شوند. از جمله کارگران صنعتی و خدماتی واحدهای تولیدی مختلف، معلمان، کارکنان خدمات درمان و بهداشت و بازنشستگان، همچنین صدها دانشجو و استاد دانشگاه نیز اخراج، تعلیق و بخشی از کسبه نیز به تعطیلی واحد شغلی خود تهدید شده‌اند. رژیم همه ابزارهای سرکوب و تهدید را برای کنترل اوضاع سیاسی و علیه شعله‌ور شدن جنبش انقلابی به‌کار گرفته است. با این همه اعتراض، مبارزه و مقاومت در متن جامعه ادامه داشته و از هر روزنه‌ای سربلند می‌کند و در این فرآیند پر تیش و باوجود دستگیری‌های گسترده باز هم فعالین نوینی به جنبش‌های سیاسی و اجتماعی می‌پیوندند و امکان پویای جنبش انقلابی را افزایش می‌دهند.

## دستگیری و تهدید خانواده جان باختگان

خانواده‌های جان باختگان همانند همه دوران این رژیم جنایتکار یکی از کانون‌های تداوم جنبش انقلابی و گسترش دادخواهی بوده و هستند. رژیم اسلامی بی‌شمارانه خانواده‌های جان باختگان را دستگیر، تهدید و سرکوب کرده و یا مورد آزار و اذیت قرار می‌دهد. رفتار جمهوری اسلامی با خانواده جان باختگان، یادآور رفتار فاشیستی و قرون وسطایی رژیم در دهه خونین شصت است. اگر کشتار دهه خونین شصت یکی از گسترده‌ترین کشتار دسته‌جمعی در زندان‌ها بود که در سکوت مطلق داخلی و جهانی انجام گرفت و خانواده زندان سیاسی در آن دوران سرد و سیاه ستون‌های اصلی جنبش دادخواهی را ایجاد نمودند، مقاومت و مبارزه خانواده‌ها در شرایط کنونی، همچنان ادامه داشته، تا جایی که پایه‌های اجتماعی جنبش دادخواهی را گسترش داده و مستحکم‌تر کرده است.

## جنبش دانشجویی و دانشجویان

در چند ماه گذشته صدها فعال جنبش دانشجویی دستگیر، اخراج و تعلیق شده‌اند. رژیم با اعزام اوباش و نیروی سرکوب، دانشگاه را پادگانی نموده و عملاً فضای کنترل و سرکوب را در دانشگاه افزایش داده است.

صدها استاد مترقی و آزاد اندیش دانشگاه که با اعتراضات دانشجویی و جنبش انقلابی مردم ایران اعلام همبستگی کرده‌اند، اخراج و تعلیق شده

و با افراد وابسته به رژیم جایگزین می‌شوند. ابعاد تهاجم رژیم به دانشجویان و اساتید دانشگاه، چنان گسترده است که با ضد انقلاب فرهنگی رژیم در اردیبهشت سال 59 تداوم می‌شود. این تهاجم گسترده نه تنها نشانه عقب‌ماندگی رژیم بلکه تلاش حاکمیت برای بقا به بهای انهدام علم و دانش در جامعه است.

## کارگران، زحمتکشان!

## انسان‌های شریف و آزاده!

جمهوری اسلامی، به عنوان حکومتی که در آن دین و دولت به عریان‌ترین شکل ممکن با هم ادغام شده است، حکومت فقر، فلاکت و استبداد است. حکومتی که شکاف طبقاتی، انواع سامانه‌های ستم‌مندی و انتی‌کلی، جنسی و جنسیتی و اشکال گوناگون تبعیض‌ها را ژرف‌تر کرده است. یک رژیم ضد زن، ضد دانش و پژوهش‌های علمی، و مخالف توسعه‌ی آزادی در مراکز دانشگاهی است. این رژیم به دلیل ماهیت ارتجاعی و واپسگرایانه‌اش، دشمن آزادی و فرهنگ پیشرو است که تنها به اتکای گسترش دستگاه سرکوب ماندگار بوده است. رژیم کتار، ادعا کرده که به دنبال بازگشت "خدای دهه شصت" یعنی تکرار سرکوب و جنایت‌های دهه خونین شصت است. سودای بازگشت به این دهه، یعنی گسترش بذر نومیدی و ایجاد سکوت قبرستانی در جامعه، آرزوی پوچی است که بر بستر برآمد جنبش انقلابی توده‌های مردم ایران به کابوس جمهوری اسلامی بدل شده است. در پرتو رشد جنبش از پائین و امید به مبارزه و مقاومت در جامعه، بازگشت به آن سال‌های وحشت و مرگ، دیگر امکان‌پذیر نیست و جمهوری اسلامی تنها جسد خدای آن‌سال‌ها را بردوش می‌کشد.

در این شرایط حساس و متلاطم، لازم است از مبارزات زنان، فعالین جنبش‌های کارگری، بازنشستگان، معلمان، کنش‌گران سیاسی و اجتماعی و نیز دانش‌جویان و استادان تعلیقی، زندانی و اخراجی، همه جانبه دفاع کنیم. با سازماندهی و سازمانیابی مبارزاتی توده‌های مردم و در مرکز آن جنبش طبقاتی کارگران در ایجاد سراسری، تهدیدها و سیاست سرکوب رژیم را خنثی نموده و راه را برای به‌زیر کشیدن جمهوری اسلامی هموار کنیم. با همبستگی مبارزاتی امیدها برای برقراری جامعه‌ای آزاد و برابر و محو هر گونه ستم، تبعیض، استثمار و شکوفایی دانش، فرهنگ و حرمت انسانی را افزایش دهیم.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

20.08.2023/هفتم شهریور 1402

امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هست



مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر!

آدرسهای تماس با حزب  
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب  
پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی  
سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر کمیته مرکزی  
ناصر مرادی

[moradi.naser@gmail.com](mailto:moradi.naser@gmail.com)

دبیر کمیته سازمانده  
رحمان حسین زاده

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان  
صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج  
نادر شریفی

[sharifi.nader@gmail.com](mailto:sharifi.nader@gmail.com)

دبیر اجرایی  
همایون گدازگر

[Homayon\\_1954@yahoo.de](mailto:Homayon_1954@yahoo.de)

**PARLOW TV**  
تلویزیون پرتو  
رسانه تصویری حزب حکمتیست  
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به  
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:  
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،

سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

### زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه  
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا  
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

[saidyegan@gmail.com](mailto:saidyegan@gmail.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نفسی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که  
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست  
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو  
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی  
کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!